

◊ نشریه علمی زن و فرهنگ

سال یازدهم، شماره ۴۴، تابستان ۱۳۹۹

صفحات: ۱۷-۷

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۱۲/۰۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۸

شکل گیری شخصیت عقلانی زنان از منظر قرآن و حدیث

زهرا رزاززاده *

محمدرضا حاجی اسماعیلی **

مهدی مطیع ***

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی شکل گیری شخصیت عقلانی زنان از منظر قرآن و حدیث است. جامعه پژوهش، آیات و حیاتی و تحلیل روایات اسلامی می باشد. نمونه پژوهش آیات قرآنی مرتبط با موضوع تربیت و عقل زنان بوده که بعد از واکاوی به بررسی شکل گیری شخصیت عقلانی زنان از منظر قرآن و حدیث پرداخته است. برای گردآوری اطلاعات از روش اسنادی و کتابخانه ای استفاده شد. بر اساس اطلاعات جمع آوری شده، آیات و روایات مربوط به تربیت عقلانی زنان بررسی و تحلیل شد. نتایج حاصل از مطالعه در آیات و حیاتی قرآن و روایات اسلامی نشان داد که، ویژگی های بارز زنان از قبیل ویژگی های جسمی، روحی و روانی که وظایف فردی و اجتماعی متفاوتی را در زندگی آینده آنان ترسیم می نماید، ناشی از تربیت عقلانی زنان می باشد و این تربیت عقلانی، در شکل گیری شخصیت عقلانی آنها مؤثر است. پرورش ذهن و فکر و خرد زنان این فایده را داراست که اولاً ابعاد وجودی او رشد و پرورش می یابد. وثانیاً وسعت فکر و ترقی، او به جهت تربیت نسل، سبب پیشرفت جامعه خواهد شد.

کلید واژگان: قرآن، شخصیت عقلانی، زنان، حدیث.

* دانشجوی رشته الهیات و معارف اسلامی، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
(ایمیل: z.razazzadeh@gmail.com)

** استاد گروه الهیات، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول، ایمیل: talakoub59@yahoo.com)

*** دانشیار گروه الهیات، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (ایمیل: m.hajis1@yahoo.com)

«تمام حقوق انتشار این اثر متعلق به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز می باشد»

مقدمه

شخصیت انسان، برگرفته از ابعاد متنوع جسمانی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی، عقلانی و غیره است. در این بین، بعد عقلانی، با برتری و نمایانی خاص هم چون چراغی درخشان بر اوج وجود آدمی می‌درخشد. این از آن جهت است که عقل، پایه و بنیاد انسانیت انسان و فصل ممیز وی از دیگر انواع حیوانات می‌باشد؛ به گونه ای که هم منشأ زلال دریای علوم و معارف انسانی، هم مبدأ صدور تمامی رفتارها و اعمال نیک انسانی است. علاوه بر این، در زمینه تربیت نیز پرورش درست عقل، پایه استوار پرورش جنبه‌های دیگر نفس آدمی است. تربیت عقلانی تأثیر زیادی در حیات فردی و اجتماعی بشری دارد و قرآن کریم ابعاد مختلف آن را تأیید کرده است. قرآن یکی از عناصر سازنده انسان را پرورش عقل و اندیشه می‌داند، یعنی انسان به وسیله رشد صحیح عقل و اندیشه خود و بهره برداری از آن در جهت هدف آفرینش می‌تواند از حیات طیبه برخوردار شود (نصری، ۱۳۹۴: ۱۲۹).

مبانی، اصول، روش‌ها، اهداف، عوامل، موانع و نتیجه‌های گوناگون تربیت عقلانی را در آیات مختلف قرآن می‌توان یافت. حضرت صادق (ع) فرمودند: «پایه شخصیت انسان عقل است و هوش و فهم و حافظه و دانش از عقل سرچشمه می‌گیرند. عقل انسان را کامل کند و رهنما و بینا کننده و کلید کار اوست و چون عقلش به نور خدائی مؤید باشد دانشمند و حافظ و متذکر و با هوش و فهمیده باشد و از این رو بداند چگونه و چرا و کجاست و خیر خواه و بدخواه خود را بشناسد و چون آن را شناخت روش زندگی و پیوست و جدا شده خویش بشناسد و در یگانگی خدا و اعتراف به فرمانش مخلص شود و چون چنین کند از دست رفته را جبران کرده برآینده مسلط گردد و بداند در چه وضعی است و برای چه در اینجاست و از کجا آمده و به کجا می‌رود؟ اینها همه از تأیید عقل است.» (کلینی، ۳۲۸، ترجمه استاد ولی، ۱۳۹۲: ۲۹). موضوع عقل زنان دست کم ۲۴۰۰ سال سابقه دارد، این مسئله به همین صورت در کتاب جمهوریت افلاطون مطرح است (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۹: ۱۷۶). شخصی از امام صادق (ع) درباره چستی عقل پرسید ایشان فرمودند: «العقل ما عبد به الرحمن و اکتسب به الجنان» یعنی «عقل آن چیزی است که به وسیله‌ی او خداوند عبادت شده و بهشت به دست می‌آید.» (کلینی، ۳۲۸، ترجمه استاد ولی، ۱۳۹۲: ۱۱).

با نگاهی دقیق و گسترده‌تر به فرهنگ‌ها و تمدن‌ها روشن می‌شود که مسئله عقل زنان و تفاوت در تربیت عقلانی آن‌ها، از اهمیت زیادی برخوردار بوده، زیرا بسیاری از فرهنگ‌ها و تمدن‌هایی که زن را مخلوقی می‌دانستند برزخ بین انسان و حیوان که معتقد بودند فایده خلقت وی فقط تکثیر نسل و خدمت به مرد است (لوبون، ۱۹۳۰، ترجمه داعی گیلانی، ۱۳۹۴: ۵۱۳). تربیت عقلانی در الگوی اسلامی فرایند شکوفاسازی، رشد ظرفیت‌های اکتسابی ذهنی و ارزش‌های عقلی اعم از نظری و عملی است که در تربیت زنان کاربرد دارد. درباره‌ی زن می‌توان گفت وضع زیستی او، یعنی اموری مانند بارداری شدن به دنیا آوردن فرزند، شیر دادن به وی با وضع ذهنی، روانی و بنابراین فرهنگی زن بی ارتباط و گسیخته نیست (باقری، ۱۳۸۲: ۹۷). برخی موارد، ذاتی جنس زن است که در مسائل روحی و در ارتباط با جسمانیت او به شمار می‌آید. برای مثال از امام علی (ع) نقل گردیده که بهترین صفات زنان، بدترین صفت مردان به شمار می‌روند: «غرور

و تکبر، بخل و ترس؛ هرگاه زنی متکبر باشد بیگانه را به خود راه نمی‌دهد و اگر بخیل باشد مال خود و همسرش را حفظ می‌کند و زنی که ترسو باشد از چیزی که به آبروی او صدمه بزند می‌ترسد و فاصله می‌گیرد» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۲، ج ۲: ۹۱۰).

با درخشش خورشید بعثت نبوی (ص) دفتر تعلیم و تربیت به گونه‌ای دیگر ورق خورد؛ و تعلیم و تربیت با منشأ الهی بروز یافت. امروزه در میان افکار عمومی این تصور وجود دارد که دین اسلام نگاهی منفی به زنان دارد و آنها را ناقصات العقول می‌داند. این دیدگاه در مقابل ادعای کرامت زن در اسلام قرار دارد و این که تاکید فراوان اسلام بر ارزش نقش مادری و حسن خلق با دختران و همسران و مسائلی مانند آن، تناقضاتی را در مبانی اسلامی القا می‌کند و آن این که از سویی به حیث وجودی به جنس زن یا مادر در دین احترام گذاشته شود و از طرفی آن را فاقد عقل (که قرار است با این عقل تربیت و هدایت شود و به مرحله عبودیت رسیده و به بهشت رهنمون گردد) می‌داند، تناقض آمیز به نظر می‌آید. ویژگی‌های بارز زنان از قبیل ویژگی‌های جسمی، روحی و روانی که وظایف فردی و اجتماعی متفاوتی را در زندگی آینده آنان ترسیم می‌نماید ناشی از تربیت عقلانی زنان می‌باشد. امام صادق (ع) می‌فرماید: عاقل بودن انسان تأثیرات بسیار عمیق بر شخصیت وی خواهد گذاشت در روایتی امام، ۷۵ ویژگی را به نام لشکر عقل برمی‌شمرند و می‌فرمایند «عاقل کسی است که این ویژگی‌ها را داشته باشد» (کلینی، ۳۲۸، ترجمه استاد ولی، ۱۳۹۲: ۲۳). با توجه به مطالب ارایه شده هدف پژوهش حاضر بررسی شکل‌گیری شخصیت عقلانی زنان از منظر قرآن و حدیث می‌باشد.

روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری: طرح پژوهش از نوع تحلیلی - توصیفی است. جامعه پژوهش آیات وحیانی و تحلیل روایات اسلامی می‌باشد. نمونه مورد بررسی آیات قرآنی مرتبط با موضوع تربیت و عقل زنان را شامل می‌شود.

روش اجرا

برای رسیدن به هدف پژوهش اطلاعات با روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شد و مطالب مرتبط با تربیت عقلانی زنان از دیدگاه قرآن و روایات مطالعه و مورد بررسی قرار گرفت و سپس با استفاده از روش کیفی تحلیل شدند.

یافته‌ها

مفهوم‌شناسی تربیت عقلانی

برای تعریف تربیت عقلانی، علاوه بر شناخت مفردات آن، توجه به ویژگی‌های ترکیبی آن اهمیت بسزایی دارد. از ویژگی‌های مهم در ترکیب مفهوم تربیت و عقلانیت، تفاوت تربیت عقلانی با آموزش علوم عقلی می‌باشد. تربیت عقلانی بیشتر از آن که به معنای آموزش منطقی، فلسفه و ریاضی باشد، بر پرورش قدرت عقلی دلالت دارد. پرورش قوای عقلی با یادگیری فنون عملی و هنری، آموزش‌های فنی

و حرفه‌ای، آموزش‌های شغلی و اقتصادی، و نیز انتقال مهارت‌های زندگی فردی و اجتماعی امکان‌پذیر است. تربیت عقلانی، آموزش اندیشیدن است نه اندیشه. تربیت عقلانی بدین معنا است که در حوزه نظری تعقل و تدبیر نماییم و دوراندیش باشیم و در حوزه عملی با اراده عمل کنیم و تصمیم بگیریم. آیت الله جوادی آملی می‌فرماید: «عقل نظری، راهنمای اندیشه بشر است و عقل عملی، راهبر انگیزه‌ی او. عقل نظری نیرویی است که با آن هست و نیست‌ها و بایدها و نبایدها درک می‌شود و عقل عملی نیرویی است که با آن عمل می‌شود. آموختن دانش، عقل نظری را کامل می‌کند، اما در عقل عملی با تمرین مکرر، عمل صالح به کمال می‌رسد» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۱۹).

انسان در حالی به دنیا می‌آید که حامل ذخیره‌ها و زمینه‌هایی دست نخورده می‌باشد. بسیاری از انسان‌هایی که در اثر عدم توجه اولیا و نیز در سایه سهل‌انگاری و بی‌توجهی خود از این ذخایر بهره‌ای نبرده‌اند و آن‌ها را تلف و یا با خود در خاک دفن می‌سازند. در زمینه‌ی مربوط به ذهن انسان استعداد پر دامنه و وسیعی وجود دارد که اگر آن‌ها نیکو شکوفا گردند و شرایط برای رشد و پرورش آن‌ها مساعد باشد او قادر خواهد بود تحولی عظیم در خود و جامعه پدید آورد.

تربیت عقلانی در الگوی اسلامی

دین اسلام، تربیت دینی، اخلاقی و ارزشی را قابل جمع با تربیت عقلانی، بلکه یکی از راه‌های آن می‌داند. خردورزی یکی از ارزش‌های بنیادین و نه نمادین تربیت اسلامی می‌باشد. منزلت عقل بسیار فراتر از نگرش ابزاری غرب به عقل بوده و نسبت عقل و شرع در اندیشه اسلامی، نسبتی نیست که در دنیای غرب میان این دو برقرار گردیده است. در دنیای غرب، برون داده‌های عقلی به اندازه‌ای در مخالفت بلکه تضاد با داده‌های به اصطلاح و حیانی دین مسیحیت قرار داشته که امکان جمع میان آن‌ها به هیچ نحو نیست. در نگرش اسلامی، اولاً ملاک ارزش‌گذاری علوم، منزلت اجتماعی آن‌ها نبوده و ثانیاً اگر کسی همه دانش‌های با ارزش را کسب کرده، ولی درگیر شهوت و غضب باشد، فرهیخته نخواهد بود. بین عالم و عاقل، در الگوی اسلامی تربیت عقلانی فرق است. عاقل کسی است که هم جزم او از تاریکی وهم، خیال و جهل مرکب دور باشد و هم عزم او از اسارت شهوت، دایره غضب و بند جهالت عملی، رها. اسلام، ارزش دین‌داری را با میزان شناخت و معرفت افراد معین می‌کند. در دین‌داری معرفت‌اندیش یا تلقی فیلسوفانه از دین، گوهر ایمان از سنخ شناخت بوده، (عطاران، ۱۳۸۰: ۱۵۵)

با توجه به خصوصیات تربیت و عقلانیت که به آن اشاره شد، تربیت عقلانی عبارت است از دو فرایند: شکوفانمودن ارزش‌های عقلانی نظری، عملی و بالا بردن ظرفیت‌های زیرساختی ارزش‌های عقلی؛ یعنی ارتقاء قوای ذهنی زمینه‌سازی هم چون هوش، حافظه، فاهمه و مخیله. اما صفت تکبر، هم برای مرد و هم زن خطرناک است و در این خصوص تفاوتی بین ایشان نیست ولی تکبر و غروری برای زن جایز است که او را از اختلاط و مراوده و ارتباط با بیگانه بازدارد. در حالی که تکبر مذموم برای مرد و زن بدون نگاه جنسیتی بسیار ناپسند است. پس کیفیت و نوع ظهور و بروز بعضی از صفات در زن و مرد گاهی متفاوت است و زمینه‌های تربیت عقلانی متفاوتی را ایجاد می‌نماید.

هویت انسانی زن از دیدگاه اسلام

در مقابل همه قضاوت‌ها و عقاید افراطی و تفریطی در مقایسه زن و مرد، اسلام هیچ‌یک از آن‌ها را نمی‌پذیرد و با صراحت تمام و قاطعانه هویت انسانی زن و مرد را متحد می‌داند، نصوص قاطعانه قرآن در بیان وحدت هویت انسانی مرد و زن تردید پذیر نیست. آیاتی که در ادامه به آن اشاره می‌شود بیانگر این وحدت است: آیه ۱۳ سوره حجرات: «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (این‌ها ملاک امتیاز نیست) گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست». جنسیت، قبیله، نژاد، رنگ، ثروت، جاه و مقام عامل فضیلت نیست. تقوی میزان کرامت و تقرب به خداوند است، «همه مردم اعم از مذکر و مؤنث از یک زن و مرد آفریده شده‌اند» (نساء، ۱). نمونه دیگر آیاتی است که بیان می‌دارد خداوند در آخرت با زن و مرد یکسان رفتار می‌کند. جنسیت هیچ دخالتی در رستگاری ندارد. عامل تقدم ایمان و عمل صالح است. آیه ۹۷ سوره نحل: «هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم؛ و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد». در آیه ۳۵ سوره احزاب ده صنف از زنان و مردان مؤمن شمرده شده‌اند که مورد مغفرت و پاداش عظیم الهی واقع می‌شوند: «به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان باایمان و زنان باایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راست‌گو و زنان راست‌گو، مردان صابر و شکیبیا و زنان صابر و شکیبیا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق‌کننده و زنان انفاق‌کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاک‌دامن و زنان پاک‌دامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است». در اینجا هم تساوی کامل برقرار است و جنسیت هیچ محلی از اعراب ندارد. دیگر آیات تساوی در حقوق و تکالیف مانند آیه ۷۱ سوره توبه: «مردان و زنان باایمان، ولی یکدیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند؛ نماز را برپا می‌دارند؛ و زکات را می‌پردازند؛ و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند؛ به زودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد». این آیه برای زن و مرد مؤمن ولایت متقابل قائل شده است، ولایت امت بر یکدیگر. زن و مرد یکسان امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. تساوی زن با مرد در فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر و ولایت متقابل ایمانی تردیدی باقی نمی‌گذارد که زن اگر ذاتاً توانایی نمی‌داشت هرگز موظف به این دو فریضه نمی‌شد. این آیه قرینه بازنگری در فهم آیات گونه دوم (عدم تساوی) است. نمونه دیگر آیات تساوی در عقاب و ثواب دنیوی و اخروی است. آیات ۵ و ۶ و ۲۵ سوره فتح و آیات ۱۲ و ۱۳ سوره حدید زنان و مردان را یکسان و مساوی مشمول ثواب و عقاب معرفی می‌کند. آن‌چنانکه آیات ۳۸ مانده و آیات ۲، ۲۶ و ۳۱ سوره نور مجازات دنیوی مرد و زن سارق و زناکار و خبیث را مساوی و بدون تفاوت برمی‌شمارد. هم چنین است آیات تساوی در زندگی زناشویی. تصویری که از آیه ۱۸۷ سوره بقره به دست می‌آید سهم مساوی زن و مرد در زندگی مشترک است: «آنان لباس شمایند و شما لباس ایشانید». این تصویر در آیه ۲۱ سوره روم نیز تکرار می‌شود. خلقت زن و مرد از آیات الهی است و وجود هر یک برای دیگری مایه آرامش، مودت و رحمت شمرده شده است. آیا این بنیاد منطقی نباید قرینه فهم دیگر آیات خانواده در قرآن بشود؟

آیات فوق صریحاً و بدون هر گونه ابهامی، مرد و زن را از نظر شخصیت و عناصر و اوصاف عالی و ارزشمند آن، متحد معرفی می نماید.

عقل و تربیت عقلانی زن در آیات و روایات

برخی با توجه به ظاهر آیات و روایاتی که در زمینه عقل زنان وجود دارد و با استناد به این آیات و روایات قائل به نقصان عقل زنان شده اند.

در سوره نساء آیه ۳۴ می فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء، ۳۴) مردان، کار گزاران و تدبیر کنندگان زندگی زنان اند، به خاطر آن که خدا مردان را بر زنان برتری داده، و به خاطر آن که [مردان] از اموالشان هزینه زندگی زنان را [به عنوان حقی واجب] می پردازند.

در خطبه ۸۰ نهج البلاغه، نقص عقل زنان این گونه به قرآن مستند شده است: اما نقصان عقولهن فشهاده امراتین كشهادة الرجل الواحد. که ناظر به آیه ۲۸۲ سوره بقره (آیه دین) است که دستور داده: «وَأَسْتَشْهَدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این حق) شاهد بگیرید! و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید! (و این دو زن، باید با هم شاهد قرار گیرند، تا اگر یکی فراموش کرد، دیگری به او یادآوری کند).

امام حسن عسکری (علیه السلام) از امیر مؤمنان (ع) در تفسیر آیه ی «فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ» چنین نقل نموده است: «شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است، اگر دو مرد یا یک مرد و دو زن شهادت دهند، قضاوت انجام می شود. زنی نزد رسول خدا (ع) آمد و از ایشان پرسید: چرا زنان در شهادت و ارث از مردان کمترند؟ فرمود: ای زن، این قضای خدای حکیم عادل است. زیرا شما هم کم بهره اید و هم کم خرد. شما نیمی از روزگارتان را به علت قاعدگی نماز نمی خوانید، بسیار نفرین می کنید و خویشاوندی را نادیده می انگارید؛ اگر ده سال یا بیشتر نزد مردی به سر ببرید که به شما نیکی و انعام کرده، روزی که تنگدست شد یا بر شما خشم گرفت، می گویند: خیری از تو ندیدم (حرعاملی، ۱۳۶۸، ج ۱۸: ۲۴۵، ب ۱۶، ح ۱).

درباره ی سند این حدیث تشکیک جدی وجود دارد که در ادامه خواهد آمد. اما هم چنان که دیده می شود در این نقل قول، عبارت هایی دیده می شود که از ساحت معصومین (ع) انتظار نمی رود.

اول عبارت «نصف دهرها لاتصلی بحیضه» با تأکید بر واژه ی نصف در نسخه ی عربی حدیث است. دوم جمع بستن زنان به عملی (نفرین) که برخی از آنها انجام می دهند، زینده ی انسان عاقل و اعقل انسان ها یعنی امام معصوم (علی علیه السلام) نمی باشد.

مورد سوم برخورد زنان با فقر شوهر است. هم چنان که زنان بسیاری در طول تاریخ کمبودهای مالی همسران خود را تحمل نموده اند. بنابراین به سبب در بر گیری و روایی مبحث، این نوع از سخن گفتن از امام معصوم به دور است.

در مورد سند این روایت نیز باید گفت: «این حدیث از تفسیر امام حسن عسکری (ع) نقل شد که این کتاب نزد عالمان اصول و فقه ارزش و اعتباری ندارد، زیرا انتساب کتاب محرز نگشته است. هر چند

معروف است که این گونه احادیث متواتر هستند، ولیکن تواتری که بتوان در اسناد آن شک کرد، تواتری پذیرفته شده نیست. ادعای تواتر در این‌ها بسیار بی دلیل است، زیرا برای تحقق تواتر فقط کثرت عددی لحاظ نمی‌گردد، بلکه شرایط دیگری نیز نیاز دارد که در این روایت‌ها موجود نیست (خویی، ۱۳۹۰، ج ۱۲: ۱۴۷ و ج ۱۷: ۱۵۷)».

دلایل این ادعا آن است که درباره‌ی احادیثی که دلیل نقصان عقل زنان را موضوع شهادت آن‌ها در محکمه عنوان می‌کند، اگر چه حسب آیه‌ی «فإن لم یکونا رجلین فرجل و امرأتان ممن ترضون من الشهداء أن تضل إحداهما فتذکر احداهما الاخری»؛ «پس اگر دو مرد نبود، یک مرد و دو زن که به آن‌ها رضایت دهید برای شهادت حاضر شوند تا اگر یکی فراموش کرد دیگری یادآوری کند» (بقره: ۲۸۲). شهادت دو زن در دادگاه معادل یک مرد در نظر گرفته شده است، اما در آیه، تمرکز بر موضوع یادآوری است و نه آموزش بنابر این مشخص نیست که بتوان نقصان عقل را از آن برداشت کرد و مفهوم نزدیک تر، مفهوم «فراموشی» می‌تواند باشد. «مضافه»، وجهی که برخی مفسران در توجیه نسیان زنان ذکر کرده اند، امری دائمی نیست، زیرا گفته اند به دلیل اشتغال زن به امور منزل و بی خبری وی در امور اجتماعی و معاملات، ممکن است حادثه را از یاد ببرد. بر این پایه در این دوران که نیمی از زنان با امور اجتماعی سر و کار پیدا کرده اند و بی اطلاع در آن امور نیستند، آیا باز هم فراموشی غالب است؟ نیز مواردی در فقه وجود دارد که شهادت زن، تنها پذیرفته است و این نشان گر آن است که نسیان و ضلالت امری ذاتی زنان نیست، بلکه امری عرضی و قابل ارتفاع است» (مهریزی و جعفریان، ۱۳۹۰: ۹۵)

در حدیثی طولانی، ابوبصیر جریان آفرینش آدم و حوا و ورود و اخراج شان از بهشت را نقل کرده است. عن أبي بصير عن الصادق (علیم) ... إلى أن قال: «ابن عباس می‌گوید ندا رسید که ای حوا چه کسی تو را از نعمت‌ها و زینت‌های بهشتی دور کرد؟ حوا گفت: خدای من، آن خطای من بود و شیطان مرا فریب داد و به عزت تو سوگند خورد که خیر مرا می‌خواهد، و من فکر نمی‌کردم که بنده ای به تو قسم دروغ بخورد. خداوند به او گفت: الان از بهشت خارج شو که من تو را ناقص در عقل و دین و ارث و شهادت و ذکر کردم و بدنت را ناقص و معیوب قرار دادم و تو را اسیر ایام زندگیت کردم و بر تو بهترین چیزها یعنی نماز جمعه، نماز جماعت، سلام و تحیت را حرام کردم. برای تو حیض را قرار دادم که همان خون است و بارداری و زائیدن دردناک را قرار دادم. پس بچه نمی‌زائی الا این که طعم مرگ را بچشی پس تو محزون ترین و شکسته قلب ترین و اشک بارترین خواهی بود و تو را همواره در اندوه کردم و از شما زنان هم نه فرمانروایی قرار دادم و نه پیامبری» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴: ۲۸۵، ب ۹۵، ح ۲). در حدیث ذکر شده بر چند نکته تأکید شده است از جمله:

علت خروج آدم و حوا از بهشت، فریب خوردن حوا عنوان شده است. حال آن که در ادبیات قرآنی عبارت شریفه‌ی «فأزلهما الشيطان عنها فأخرجهما مما كانا فيه» (بقره: ۳۶) آمده است. در نتیجه تأکید خدا بر لغزیدن هر دوی آنها است نه فقط حوا.

در حدیث یاد شده، این چنین آمده است که خداوند فقط به حوا خطاب کرده و تنها او را از برخی نعم محروم کرده است. حال آن که ادامه‌ی آیه‌ی شریفه این چنین می‌گوید: «... وقلنا اهبطوا بعضکم لبعض

عدو ولکم فی الأرض مستقر ومتاع إلى حين» (بقره: ۳۶) و به دلیل به کار بردن صیغه ی جمع نمی تواند فقط مخاطب حوا باشد. ضمن این که این برخورد نفی با زنان با احادیث دیگری که حسن خلق با زنان را توصیه می کند، متناقض است. در زیر به پاره ای از این احادیث اشاره می شود:

• پیامبر گرامی اسلام (ره) فرمودند: «حب إلى من الدنيا ثلاث النساء والطيب وجعلت قرءة عینی فی المملاة»؛ «در این دنیا سه چیز را دوست دارم: زنان، عطر و روشنی چشم من هم در نماز است» (حرعاملی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۴۴).
امام صادق (السلام) فرمودند: «العبد كلما ازداد للنساء حبا، ازداد فی الايمان فضلا»؛ «هر چه که انسان زنان را بیشتر دوست بدارد، به ایمان او افزوده شده است» (حرعاملی، ۱۳۶۸، ج ۲۰: ۲۳، ح ۲۴۹۳۱).

• پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: «خیر کم خیر کم لنسائکم و بناتکم»؛ «بهترین شما، کسانی هستید که برای زنان و دختران تان بهترین باشید!» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴: ح ۱۶۶۳۶).

بدون نیاز به بحث سندی این روایات، تطابق این احادیث با هدف دین اسلام مبنی بر ترویج حسن خلق بیشتر به ذهن می رسد.

در حدیث ابوبصیر، بحث مادری و زایمان به کلی منفی ذکر شده است و حال آنکه شأن مادری و صواب زایمان چیزی نیست که در اسلام بتوان درباره ی آن کمترین تردیدی کرد.

روایت ابوبصیر زن را دائمة الاحزان خوانده است که مشخص نیست چگونه می توان به این نکته ایمان داشت که زنان همیشه در حزن و ماتم اند؟!؛

در فرازهای پایانی حدیث ابوبصیر اشاره شده است که خداوند هیچ زنی را حاکم و فرمانروا نکرده است، حال آن که خداوند کریم در قرآن به صراحت از ملکه ی سبأ نام می برد. در سوره ی نمل از قول هدهد آمده است إلى وجد امرأة تملکهم وأوتیت من کل شیء ولها عرش عظیم» (نمل: ۲۳).

در روایتی از رسول مکرم اسلام (ص) آمده است: «ما رأیت من ضعفات الدین و ناقصات العقول اسلب لدی لب منکن» (حرعاملی، ۱۳۶۸، ج ۱۴: ۱۱، کلینی، ۳۲۸، ترجمه رحیمیان، ۱۳۸۸: ۲) «رسول خدا (ص) فرمود: سست دین و کم خردی که عقل دزدتر از شما باشد ندیدم.»

امیر المومنین (ع) چنین فرمودند: «عقول النساء فی جمالهن و جمال الرجال فی عقولهم» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۲۲۴) «خرد زنان در زیبایی آنان است و زیبایی مردان در خرد آن هاست.» و نیز فرمودند «بعد حرب الجمل فی ذم النساء: معاشر الناس ان النساء نواقص الايمان، نواقص الحفظ، نواقص العقول و ...» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، به تحقیق صبحی، ۱۳۹۵، خطبه ۸۰: ۱۰۵) «مردم، ایمان زنان ناتمام است، بهره آنان ناتمام، خرد ایشان ناتمام» هم چنین در روایتی از امیر المومنین (ع) آمده است: «معاشر النساء خلقتن ناقصات العقول فاحترزن من الغلط فی الشهادات ...»؛ «ای زنان شما ناقص العقل آفریده شده اید از خطای در شهادت پروا کنید (حرعاملی، ۱۳۶۸، ج ۱۸: ۲۴۵)»

در منطق قرآن کریم نه تنها زنان ناقص العقل نیستند بلکه بین عقل زن و مرد تفاوتی نیست و هر دو از بهره عقلی یکسانی برخوردارند. این ادعا را می توان با استناد به برخی از آیات و حیانی قرآن از جمله آیات پایانی سوره آل عمران اثبات کرد که چنین می فرماید:

«مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین و آمدورفت شب و روز، نشانه هایی برای خردمندان است. همانها

که خدا را در حال ایستاده و نشسته و آنگاه که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند؛ و در اسرار آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند؛ [و می‌گویند]: خدایا این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای! منزه‌ی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه‌دار! پروردگارا! هر که را تو [به خاطر اعمالش] به آتش افکنی، او را خوار و رسوا ساخته‌ای! و برای افراد ستم‌گر، هیچ یآوری نیست! پروردگارا! ما صدای منادی [تو] را شنیدیم که به ایمان دعوت می‌کرد که: به پروردگار خود، ایمان بیاورید؛ و ما ایمان آوردیم؛ پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و بدی‌های ما را بپوشان! و ما را با نیکان [و در مسیر آن‌ها] بمیران» (آل‌عمران، ۱۹۰ - ۱۹۳) همان‌طور که بیان شد، خداوند متعال در آیه ۱۹۰، عده‌ای از انسان‌ها را «اولی‌الالباب» (صاحبان عقل و خرد) معرفی نموده و بعضی از ویژگی‌های ایشان را نیز ذکر می‌نماید؛ یعنی عاقلان و خردمندان به‌طور خلاصه کسانی هستند که اهل ذکر، فکر و دعا هستند. در ادامه خداوند دعای «اولی‌الالباب» (صاحبان عقل و خرد) را مستجاب نموده و آن‌ها را شامل زن و مرد معرفی می‌نماید؛ یعنی ما دعای این مردان و زنان عاقل را اجابت می‌کنیم: (خداوند، درخواست آن‌ها [اولی‌الالباب] را پذیرفت؛ [و فرمود]: من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما [اولی‌الالباب] را، زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد) (آل‌عمران، ۱۹۵). در این آیه، خداوند «اولی‌الالباب» (صاحبان عقل و خرد) را شامل «ذکر» و «انثی» دانسته و هر دو را عاقل و خردمند خطاب نموده است؛ پس آن چه از متن آیات قرآنی و روایات معصومین (علیهم‌السلام) برمی‌آید، این است که عقل، آن چیزی است که انسان به وسیله آن حق را می‌فهمد و به آن عمل می‌نماید. پس در فرهنگ اسلام آن که درست درک نمی‌کند، عاقل نیست و کسی که درک می‌کند و عالم است، ولی به علمش عمل نمی‌کند نیز عاقل نیست. هنگامی که خداوند در قرآن کافران را سرزنش می‌نماید، به این دلیل است که آنان تعقل نمی‌کنند و درک صحیحی از حق و حقیقت ندارند و آن گاه که عالمان بی‌عمل را مورد نکوهش قرار می‌دهد، از کاستی و عدم تعقل آنان یاد می‌نماید. در این جا، به عنوان نمونه، به دو آیه اشاره می‌گردد: «آیا می‌پنداری که بیشتر آن‌ها می‌شنوند یا تعقل می‌کنند، اما آن‌ها جز مانند حیوانات نیستند، بلکه از آن‌ها گمراه‌ترند» (فرقان، ۴۴). «آیا مردم را به نیکی دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمایید. باین که شما کتاب را می‌خوانید، آیا نمی‌اندیشید؟» (بقره، ۴۴).

از جمیع روایاتی که درباره عقل نقل گردیده، استفاده می‌شود که منظور از عقل، همان نیروی تشخیص و ادراک و وادار کننده انسان به نیکی و بازدارنده او از شر و فساد است. و قوه‌ای است که انسان را در خدمت اوامر الهی قرار می‌دهد و بهشت را برای او به ارمغان می‌آورد. همان‌طور که از امام صادق (ع) در مورد عقل سؤال شد که عقل چیست؟ امام فرمودند: «العقلُ مَا يُعْبَدُ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ يُكْتَسَبُ بِهِ الْجَنَانُ؛ عقل آن است که با آن خدای رحمان عبادت شود و بهشت به دست آید.» (کلینی، ۳۲۸، ترجمه استاد ولی، ۱۳۹۲: ۱۱). این تحلیل، تعریف عقل عملی است که تهذیب نفس و اجرای احکام را بر عهده دارد. عقل عملی با فهمیدن کاری ندارد، چنان‌که عقل نظری با عمل کردن رابطه‌ای ندارد. در باره‌ی بهشت می‌توان به حدیث «الجنة تحت اقدام الامهات» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴: ح ۲۲۶۹۱) اشاره نمود. این حدیث شأن مادران را فراتر از بهشت معرفی می‌نماید. در این صورت مادران هم از نوعی عقل بهره‌مندند که توانسته‌اند با آن به بهشت برسند (ما اکتسب به الجنان)، در این جا مادران که بخشی از زنان هستند عقلانیت دارند

و این عقلانیت است که آن‌ها را فرا بهشتی کرده است، و امری است تردید ناپذیر. پس اگر کسی ادعا کند که عقل مرد در جنبه یُعبَد به الرحمان و یُکتسب به الجنان قوی تر از زن است، هرگز اثبات آن مقدر نیست، چرا که نه تجربه آن را نشان می‌دهد و نه برهان آن را تأیید می‌کند.

بحث و نتیجه گیری

اسلام به محتوای تربیت عقلانی زنان اهمیت زیادی می‌دهد، زیرا بخشی از محتوایی که باید زمینه ساز تربیت عقلانی زنان گردد سازندگی خود اوست، هم چنین زن مادری سازنده و آفریننده نسل است پس زمینه‌های تربیت عقلانی باید دختران را برای پذیرش شغل مادری و تربیت نسل آماده سازد. پرورش خرد، ذهن و فکر زنان این فایده را دارا است که اولاً ابعاد وجودی او رشد و پرورش می‌یابد. و ثانیاً وسعت فکر و ترقی، او به جهت تربیت نسل سبب پیشرفت جامعه خواهد شد.

اسلام اهمیت زیادی به محتوای تربیت عقلانی زنان می‌دهد، زیرا بخشی از محتوایی که باید زمینه ساز تربیت عقلانی زنان گردد سازندگی خود اوست به گونه‌ای که روح از طریق تفکر و تأمل امور، عبادت و ریاضت‌ها بتواند تحولی در خود به وجود آورد، به تکامل خود پردازد و در جهت خیر و صلاح خود قدم بردارد.

زن، مادری سازنده و آفریننده نسل است. فرزندان خود را می‌پروراند و آن‌ها را به سوی مسیر، مورد نظرش سوق می‌دهد، طبعاً خود باید فردی ساخته شده و جهت یافته باشد. به محتوای تربیت عقلانی و سازندگی آگاهی داشته باشد. خود او هم مایه‌های اخلاق و انسانیت را واجد بوده و خواستار ایجاد تحول باشد. در نظام حیات اسلامی زن بر حسب تقسیم وظایف عهده دار مدیریت خانه است. پیامبر اکرم می‌فرماید: وَ الْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَ وُلْدِهِ وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ (دیلمی، ۱۴۲۴، ج ۱: ۱۸۴) زن، آقا و مدیر، خانواده است، مراقب و نگهبان خانه و خانواده است. به همین منظور، او باید از قبول تدبیر منزل آگاهی داشته باشد. و بتواند از عهده مدیریت خانواده بر آید. هم چنین زمینه‌های تربیت عقلانی باید دختران را برای پذیرش شغل مادری و تربیت نسل آماده سازد.

پرورش خرد، ذهن و فکر زنان این فایده را دارا می‌باشد که سرمایه‌ای که خداوند در وجود آن‌ها به ودیعه گذارده به هدر نمی‌رود. ابعاد وجودی او رشد و پرورش یافته و به صورتی هماهنگ به پیش می‌رود. وسعت فکر و ترقی، او سبب پیشرفت جامعه خواهد شد زیرا آن چه که مادران دارند از نیک یابد به فرزندان خود منتقل خواهند کرد و اخلاق و رفتار جامعه تا حدود زیادی مربوط به آنان خواهد بود. اصل تربیت عقلانی برای همه انسان‌ها امری پذیرفته و حق است ولی همه انسان‌ها یک کار و وظیفه مشترکی ندارند و از عهده انجام هر کاری به گونه‌ای مشابه بر نمی‌آیند. وجود تفاوت در وظایف باعث ایجاد تفاوت‌هایی در آن‌ها است. در نظام تربیتی اسلام کلیات تربیت و در آن چه مربوط به انسانیت انسان است برای همه به‌طور یکسان آگاهی‌هایی به دست می‌آورند ولی در آن چه مربوط به تفاوت‌های ظاهری و باطنی، تفاوت در وظیفه و اشتغال است. بین محتوای تربیت انسان‌ها که زمینه‌ساز تربیت عقلانی است تفاوت‌هایی وجود دارد. اما هدف کلی تربیت عقلانی، هدایت انسان و رساندن او به مرحله عبودیت است و در این امر انسان‌ها در تربیت عقلانی یکسان‌اند ولی در کیفیت اصول و در انجام وظایف که زمینه‌هایی

برای این وصول می‌شود باهم تفاوت دارند. استعدادها و تقاضاهای غریزی انسان‌ها باهم متفاوت‌اند و از این دید محتوا و زمینه‌های تربیت برای آن‌ها متفاوت خواهند بود؛ اما عقل بشر در جنبه‌ی بعد به الرحمان و یکتاسب به الجنان با توجه به آیات و روایات یک سان است. هر گونه اهانت و تحقیر زن یا اسناد اهانت و تحقیر زن به ایدئولوژی اسلام ناشی از بی‌اطلاعی از مفاد آیات فراوانی است که در قرآن آمده است. این است بُعد انسانی و هویت شخصیتی زن از دیدگاه اسلام. حتی یک آیه در قرآن وجود ندارد که در دو موضوع عقل و ایمان، مردها را بر زنان یا بالعکس زنان را بر مردان ترجیح بدهد. آیات قرآنی هر دو صنف را در اوصاف عالی انسانی، مشترک معرفی می‌نماید.

تعارض منافع: نویسندگان تصریح می‌نمایند در این پژوهش تعارض منافع وجود ندارد.

این پژوهش با هزینه محقق صورت گرفته است.

منابع

- قرآن کریم.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۲). مبانی فلسفی فمینیسم. تهران: دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). تسنیم (تفسیر قرآن کریم). چاپ دوم، تهران: اسراء.
- حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۳۶۸). وسائل الشیعه. قم: موسسه آل‌البیت.
- خویی، سید ابوالقاسم. (۱۳۹۰). معجم رجال‌الحديث. قم: مرکز نشر الثقافة الاسلامیه فی العالم.
- دیلمی، الحسن بن ابی الحسن محمد. (۱۴۲۴). ارشاد القلوب. ج ۱، طهران: دار الاسوة للطباعة والنشر.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه. محقق: صالح صبحی. (۱۳۹۵). قم: موسسه دار الهجرة.
- عطاران، محمد. (۱۳۸۰). دورویکرد در تربیت دینی. قم: مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۳۲۸ ق). اصول کافی. ترجمه استاد ولی. (۱۳۹۲). ج ۱، قم: دارالثقلین.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۳۲۸ ق). فروع کافی. محمدحسین رحیمیان. (۱۳۸۸). جلد ۲، قم: قدس.
- لوبون، گوستاو. (۱۹۳۰). تمدن اسلام و عرب. ترجمه فخر داعی گیلانی. (۱۳۹۴). تهران: بنگاه مطبوعاتی علی‌اکبرالعلمی.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۸۶). بحار الانوار. چاپ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۸۲). منتخب‌الحکمه، مترجم: حمیدرضا شیخی؛ چاپ اول، قم: دارالحدیث.
- محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۸۴). میزان‌الحکمه. قم: دارالحدیث.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). مجموعه آثار شهید مطهری. تهران: انتشارات صدرا.
- مهریزی، مهدی، جعفریان، رسول. (۱۳۹۰). موسوعه المرأة فی الأخبار والآثار. ج ۱، تهران: انتشارات علم.
- نصری، عبدالله. (۱۳۹۴). مبانی انسان‌شناسی در قرآن. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: موسسه آل‌البیت لاحیا التراث.

The Formation of Women's Rational Personality from The Viewpoint of Quran and Hadith

Z. Razazzadeh*
M. R. Hajiesmaeli**
M. Motia***

Abstract

The present research aimed to investigate the formation of women's rational personality from the viewpoint of the Quran and hadith. The research population was revelatory verses and analysis of Islamic narrations. The research sample was Quran verses related to the subject of education and women's wisdom, which, after reviewing, has investigated the formation of women's rational personality from the viewpoint of the Quran and hadith. Documentary and library methods were implemented to collect data. Based on the collected data, verses and hadiths related to women's rational education were reviewed and analyzed. The results of the study in the revelatory verses of the Quran and Islamic traditions showed that women's outstanding characteristics such as physical, mental and psychological characteristics that would depict different individual and social duties in their future lives were due to women's rational education. Such rational education was effective in shaping their rational personality. The mental and intellectual nurture of women benefited firstly, the development of their existence dimensions and secondly, the breadth of her thoughts and promotion in the new generation educating would lead to the progress of the society.

Keywords: Quran, rational personality, women, hadith.

*Department of Theology and Islamic Science, Quran and Hadith Sciences, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad university, Isfahan, Iran (Email: z.razazzadeh@gmail.com)

**Professor in Department of Theology, Isfahan University, Isfahan, Iran. (Corresponding author, Email: talakoub59@yahoo.com)

***Associate Professor, Department of Theology, Isfahan University, Isfahan, Iran. (Email: m.hajis1@yahoo.com)